خبر ویژه

## بخشش جان به عشق دیگران

**محمدجواد ابوعطا|** همه می‌دانند که حادثه درکمین است و شاید همین حالا از هر لحظه نزدیک‌تر باشد، اما هیچ‌وقت فکر نمی‌کنند که ممکن است آن‌ها قربانی بعدی باشند ولحظه‌ای دیگر نگاهشان به زندگی، شبیه افراد تازه درگذشته باشد. البته در میان مرگ‌ومیرهای رایج، عده‌ای شبیه همه نمی‌میرند. آن‌ها پیش از مرگ، فرصت دارند تا جان دردمندی را نجات دهند و دست نیازمند به عضوی را بگیرند. بیماران مرگ مغزی تنها افرادی هستند که گویی در دو مرحله می‌میرند؛ مرحله اول با خاموشی مغز آغاز می‌شود و آن‌ها تبدیل به «اجساد زنده» می‌شوند. این اموات زنده در دوراهی رفتن و جان بخشیدن، آن‌قدر باید منتظر بمانند تا قلبشان نیز بمیرد، اما اگر خانواده‌شان حال‌وروز آن‌ها را درک کنند، حتما فرم‌های سفید اهدای عضو را با شوق تکمیل خواهند کرد تا روح عزیز از دست‌رفته‌شان به آرامشی ابدی دست یابد. این‌ها را نوشتیم تا بگوییم خانواده مرحوم «مصطفی برومند» سی‌وهفت ساله که بر اثر حادثه‌ای دچار مرگ مغزی شده بود، با درک وضعیت این جوان برومند، باوجود سختی داغ بردل نشسته، با اهدای عضو موافقت کردند. درپی این موافقت، پیکر این مرحوم از بیمارستان فارابی به واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی در مرکز پیوند اعضای دانشگاه مشهد معرفی شد و در بیمارستان منتصریه تحت عمل جراحی اهدای عضو قرارگرفت. کبد این زنده‌یاد در بیمارستان منتصریه به مردی پنجاه‌وهفت ساله ساکن مشهد که از نارسایی کبد رنج می‌برد، پیوند شد. قرنیه‌های مرحوم نیز برای پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم‌پزشکی مشهد و قسمتی از پوست او برای پیوند به بیماران بخش سوختگی، به بیمارستان امام‌رضا(ع) مشهد ارسال شد.

آخر خط

## کشف ۸۰ میلیاردی طلا و خاک طلا



**ایرنا|** قاچاقچیان فکر همه‌جایش راکرده بودند. آن‌ها برای اینکه کسی شک نکند، طلاها را با خاک مخلوط کرده بودند و به عنوان خاک معمولی در حال جابه‌جایی محموله طلایی‌شان بودند. هرچند اعلام نشده که مقصد و مبدأ این افراد کجا بوده، اما کارکنان انتظامی مستقر در سالن ایستگاه مسافری راه‌آهن اهواز هنگام کنترل بار و اثاثیه مسافران، به وسیله دستگاه ایکس‌ری به پنج کیف مسافری بزرگ مشکوک شدند. مالکان این کیف‌ها سه نفر بودند که مأموران آن‌ها را با رعایت حقوق شهروندی به دفتر پلیس راه‌آهن اهواز منتقل کردند. در بررسی دقیق، مشخص شد کیف‌ها حاوی صدکیلوگرم خاک طلا و نقره و همچنین ۱۶۶گرم طلای خام فاقد هرگونه مجوز قانونی برای حمل است. با تشکیل پرونده قضایی، متهمان به اتهام قاچاق طلا دستگیر و اموال کشف‌شده به ارزش ۸۰میلیارد ریال توقیف شد.

روی خط حادثه

## کشف جسد سوخته در ساحل

**پایگاه خبری پلیس|** با اعلام کشف جسد سوخته مردی در یکی ازکوچه‌های ساحلی شهرستان نور، پلیس به محل اعزام شد. با حضور پلیس و مشاهده جسد، اقدامات قانونی انجام شد و پیگیری‌ها نشان داد که جسد متعلق به مردی میان‌سال است که سی‌ام فروردین‌ماه مفقود شده است. مأموران با اقدامات فنی و پلیسی، خودرویی را که جسد با آن به این مکان منتقل شده بود، شناسایی و هنگام خروج از استان مازندران توقیف کردند. متهمان که زن‌ومردی از استان‌های همجوار بودند، در بازجویی اولیه به قتل متوفی با انگیزه سرقت پول و طلا اعتراف کردند. در بررسی‌های این پرونده مشخص شد متهمان پس از درگیری با مقتول، وی را با ضربات چوب بر سرش از پای درآورده و سپس با بنزین، جسد مقتول را آتش زده‌اند. در ادامه مقادیری طلا و دلار که از مقتول سرقت شده بود نیز از متهمان کشف شد.

## دستگیری برادرکش قیامدشت

**تسنیم|** با اعلام یک فقره قتل خانوادگی به پلیس تهران، مأموران جنایی راهی محل شدند. این جنایت چهاردهم فروردین امسال رخ داد و مأموران با جسد مردی جوان در یکی از محلات قیامدشت روبه‌رو شدند که بر اثر ضربات چاقو، جان خود را از دست داده بود. در بررسی‌های اولیه، هویت مقتول شناسایی و مشخص شد که وی اختلافات شدیدی با برادر خود داشته است. مقتول شب حادثه مقابل خانه برادرش مراجعه کرده و آنجا با هم درگیر شده‌اند که برادرش را با چاقو به قتل رسانده و از محل گریخته است. تحقیقات ادامه داشت تا اینکه در روزهای گذشته این متهم در مخفیگاهش دستگیر شد. متهم جوان در بازجویی‌ها به قتل برادرش به‌دلیل اختلافات قدیمی اعتراف کرد.

## سقوط هواپیمای آموزشی در فرودگاه قزوین

**ایسنا|** یک فروند هواپیمای آموزشی در محدوده فرودگاه قزوین دچار سانحه شد و سقوط کرد. درپی این حادثه، تیم‌های عملیاتی جمعیت هلال‌احمر و اورژانس بلافاصله به محل اعزام شدند. در این حادثه، دو سرنشین هواپیما شامل خلبان (مرد) و کمک‌خلبان (زن) که دچار مصدومیت شده بودند، توسط آتش‌نشانان از لاشه هواپیما خارج و برای انتقال سریع به مراکز درمانی، به تیم امداد هوایی تحویل داده شدند. علت دقیق حادثه در دست بررسی است.

پلیس یک باند خانوادگی را که به صورت حرفه ای کف‌زنی می کردند، دستگیر کرد

# پایان شگرد مرموز پیرمرد شامی در مشهد

سعید جلائیان

گزارش

در ظاهر یک خانواده عرب‌زبان و ثروتمند بودند که به همراه یک مترجم برای خرید به مراکز تجاری مختلف شهر می‌رفتند؛ خانواده‌ای شامل یک مرد هفتادساله، دو مرد جوان، یک زن و یک پسر خردسال. این خانواده برای خرید یک شرط داشتند و در ازای جنسی که می‌خریدند، فقط دلار می‌دادند و فروشنده باقی پولشان را باید به دلار پس می‌داد. پس از انتخاب لوازم، مترجم خانواده به فروشنده می‌گفت: «در مشهد تا حالا چندین‌بار به این خانواده دلارهای تقلبی داده‌اند، برای همین پیرمرد وسواسی شده و خودش می‌خواهد دلارهای فروشنده را بررسی کند»؛ در ادامه پیرمرد عصایش را کنار می‌گذاشت و یک ورق صددلاری به فروشنده می‌داد. او که انگار فارسی متوجه نمی‌شد، به محض دیدن دلارها در دست فروشنده، آن را به شکلی از دستش چنگ می‌زد. پیرمرد در مقابل چشمان فروشنده شروع به شمارش و بررسی دلارها می‌کرد و پس از اطمینان از اصل‌بودن، دسته اسکناس را باز می‌گرداند و به نشانه صحیح‌بودن معامله، یک ضربه به شانه فروشنده می‌زد و کار تمام می‌شد. بعد از خرید، این خانواده خیلی زود از مغازه خارج می‌شدند و پس از آن بود که فروشنده تازه متوجه کم‌شدن دلارهایش می‌شد. این تجربه تلخ برای تعدادی از کسبه سطح شهر و برخی بیماران عرب‌زبانی که به منطقه احمدآباد مشهد آمده بودند نیز تکرار شده بود. با اعلام این سرقت‌های سریالی سرهنگ محمد چراغ، فرمانده انتظامی مشهد، از سرهنگ محمد چوپان، رئیس کلانتری احمدآباد، خواست رسیدگی به این پرونده و دستگیری اعضای این باند را در اولویت کاری خود قرار دهند.

**آغاز یک عملیات گسترده**

روز گذشته رأس ساعت ۵ صبح، مأموران کلانتری احمدآباد با هدایت سروان حسن خداوردی و کارآگاه وحید سلیمانی، عملیات گسترده‌ای را آغاز کردند. تیم تحقیق پس از شنیدن اظهارات مال‌باختگان و مشاهده دوربین‌ها متوجه شدند پیرمردی که در ظاهر با کمک عصا راه می‌رود و کلاه بزرگی به سر دارد، در ازای خرید به فروشنده یک ورق اسکناس صددلاری می‌دهد و در مقابل چشم فروشنده شروع به شمارش اسکناس‌های فروشنده می‌کند. تصاویر دوربین‌های مداربسته به مأموران نشان داد که پیرمرد با وجود سن و شرایط جسمی‌اش هنگام شمردن دلارها، درکسری از ثانیه چند ورق را از وسط تا می‌کند و در مشتش مخفی می‌کند و بعد هم با زدن به شانه فروشنده، اسکناس را وارد آستینش می‌کند.

**سرقت دلارهای بیمار خارجی**

بررسی این پرونده نشان داد که اعضای این باند فقط به مراکز خرید بسنده نکرده‌اند و متهمان پس از چند هفته سرقت در مشهد، برای پیداکردن طعمه جدید از میان عرب‌زبانانی که برای درمان به مشهد می‌آیند، به خیابان احمدآباد رفته‌اند. شواهد به‌دست‌آمده توسط پلیس نشان داد متهمان در اطراف ساختمان‌های پزشکان منطقه احمدآباد پرسه می‌زدند و اتباع عرب‌زبان را شناسایی می‌کردند. هنوز مشخص نیست چه تعداد بیمار عرب‌زبان، قربانی متهمان شده‌اند؛ اما پس از شکایت یک زن عرب‌زبان به پلیس، مأموران در بررسی این گزارش سرقت و بازبینی تصاویر یک داروخانه در احمدآباد، پیرمرد را شناسایی کردند. او پس از آنکه قربانی‌اش را فریب داده بود، یک بسته دلار از او می‌گیرد. پیرمرد در مقابل چشمان زن، دلارها را می‌شمارد و بسته دلارها را پس از سرقت یک ورق اسکناس دویست‌دلاری و سه ورق صددلاری به زن بازمی‌گرداند.

**شناسایی سارقان در مغازه آقای معلم**

تلاش پلیس برای شناسایی هویت متهمان بدون نتیجه بود تا اینکه اعضای این باند از یک‌معلم‌بازنشسته سرقت کردند؛ معلمی که باگرفتن قرض از اقوام و وام توانسته بود یک فروشگاه برای خودش دایر کند. سارقان از این معلم هفت اسکناس صددلاری سرقت کرده و متواری شده بودند. در جریان این سرقت بود که تیم تحقیق توانست با بازبینی چهره تک‌تک متهمان، فردی را که مدعی بود مترجم است، شناسایی کند. بررسی سوابق این فرد به مأموران نشان داد که نامش علی است و چهل سال سن دارد. این متهم پیش‌ازاین سه بار به اتهام شرارت و نگهداری سلاح گرم در کرج دستگیر شده بود.



عکس: حدیث فقری | شهرآرا

**آغاز یک عملیات پیچیده**

با به‌دست‌آمدن هویت علی (مترجم)، مأموران متوجه شدند نام مردکهن‌سال، عظیم است. عظیم متولد کشور سوریه و پیش‌ازاین دو بار سابقه دستگیری داشته است. تلاش پلیس برای دستگیری متهمان، تا حوالی ساعت ۲ بامداد روز گذشته ادامه داشت و سرانجام مأموران با استفاده از تجهیزات و شیوه‌های نوین پلیس، موفق شدند محل اختفای علی را در منطقه قاسم‌آباد ردزنی کنند. با به‌دست‌آمدن محل اختفای متهم، حضور او و همدستانش در یک سوئیت مجلل توسط یکی از واحدهای گشت پلیس تأیید شد. با تأیید حضور متهم، مأموران با هماهنگی مقام قضایی، رأس ساعت ۵ صبح در عملیاتی ضربتی، وارد مخفیگاه متهمان شدند و اعضای این باند را دستگیر کردند.

پس از دستگیری متهمان، مأموران در بازرسی از محل اختفای آن‌ها پنجاه ورق اسکناس دویست یورویی و نوزده ورق اسکناس صددلاری و... کشف کردند. با توجه به مبالغ کشف‌شده و اینکه متهمان یک ماه در مشهد اقامت داشتند و هر روز ۴میلیون تومان برای اجاره سوئیت و یک میلیون تومان برای مواد مخدر پرداخت می‌کردند، این احتمال وجود دارد که آمار مال‌باختگان از مرز سی‌چهل نفر عبور کند.

## از بیماران سرقت نمی‌کردیم!

**عظیم، پیرمردی بود که مال باختگان با دیدنش تصور می‌کردند او بدون کمک عصا توان راه‌رفتن ندارد. اگر فیلم دوربین‌های مداربسته نبود، باور اینکه این پیرمرد، مغز متفکر این باند سرقت باشد، کمی دور از ذهن بود. در خلال رسیدگی به این پرونده، این پیرمرد سارق به سؤالات خبرنگار شهرآرا پاسخ می‌دهد.**

**شما متولد کجا هستید و کی به ایران آمدید؟**

من متولد شهر شام در سوریه هستم. پدرم ایرانی و مادرم سوری بود. در جوانی به ایران مهاجرت کردم.

**شغلت چه بود؟**

مدتی مغازه داشتم و بعد هم راننده تاکسی شدم.

**چند بار دستگیر شده‌ای؟**

یکی‌دو بار به جرم حمل مواد مخدر دستگیر شدم.

**چرا یک راننده تاکسی باید کف‌زنی کند؟**

من اصلا کف‌زنی نکردم.

**اما فیلمی هست که در کسری از ثانیه چندین ورق اسکناس صددلاری را با یک شگرد خاص دزدیده‌ای!**

به زندان که افتادم، کف‌زنی را از آنجا یاد گرفتم. من سابقه کف‌زنی ندارم.

**چند فرزند داری، آن‌ها خبر دارند؟**

چهار بچه دارم. آن‌ها خبر ندارند. هیچ‌وقت هم خبری از جرائمم نداشتند.

**علی فرزند شما نیست؟ او درست کنار شما نشسته و به اتهام همدستی با شما دستگیر شده است.**

او پشتیبانم بود و با حضورش اعتماد به نفس پیدا می‌کردم. شما بگو اصلا هیچ پدری هست که دوست داشته باشد پسرش دزد شود؟ من بارها به او گفتم برو کارکن. هیکلش را ببینید. نمی‌توانستم مجبورش کنم.

**پرونده سرقتی بوده است که پشیمان شوی؟ به‌ویژه از بیماران؟**

ما از بیماران سرقت نمی‌کردیم. احمدآباد می‌رفتیم، چون شلوغ بود.

**از آن زن عراقی که در مقابل داروخانه سرقت کردید، مگر بیمار نبود؟**

(سکوت می‌کند.)

**علی، چهارمین فرزند عظیم، مردی چهل ساله و درشت‌اندام است. روی بدنش خال‌کوبی‌های متعددی دارد و توتوی یک اسلحه تمام‌اتوماتیک که روی دستش زده است، خودنمایی می‌کند. او نیز به سؤالات خبرنگار ما پاسخ می‌دهد.**

**متأهل هستی؟**

بله. دو فرزند هم دارم.

**تا حالا چه شغل‌هایی داشته‌ای؟**

هیچی.

**یعنی هرگز سر هیچ کاری نرفته‌ای؟ حتی به‌صورت پاره‌وقت یا برای یک بازه زمانی کوتاه؟**

نه.

**وقتی خواستگاری رفتی، نپرسیدند شغلت چیست؟ خرج خانه را چطور می‌دادی؟**

نپرسیدند. پول نداشتم، چه‌کار می‌کردم؛ مجبور بودم دزدی کنم.

**چندبار دستگیر شده‌ای؟**

سه بار به جرم شرارت. یک بار هم در خانه بودیم که مأموران ریختند و دستگیرم کردند. یک سلاح پیدا شد که گردن من انداختند. پس از چند ماه قاضی من را تبرئه کرد.

جهان حوادث

## ۱۲کشته در «جنگ خروس‌ها»

**ایسنا|** مسئولان پلیس اکوادور اعلام کردند چهار نفر را در ارتباط با حمله افراد مسلح به حلقه تماشاچیان در مراسم جنگ اندازی خروس‌ها که در آن دوازده نفر کشته شده‌اند، دستگیر کرده‌اند. فیلم حمله به اشتراک گذاشته شده در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که افراد مسلح وارد رینگ شده و درحالی‌که تماشاگران وحشت‌زده هستند، شروع به تیراندازی می‌کنند. مهاجمان با تجهیزات نظامی جعلی، اعضای یک باند جنایت‌کار بودند که رقبای آن‌ها در جنگ خروس‌ها حضور داشتند.

## فرار مرگ‌بار از زندان

**مهر|** به‌گفته منابع محلی، چهار نفر پس از تلاش زندانیان برای فرار از زندانی در کشور چاد، کشته شدند. این حادثه ساعت ۹ (به وقت محلی) شب گذشته در زندان مونگو در مرکز چاد رخ داد. منابع داخل زندان گفتند که در جریان اعتراض به شرایط بد زندان، اسلحه به داخل زندان قاچاق شده است. سپس زندانیان فرصت را غنیمت شمردند و برای فرار از زندان اقدام کردند. کشته شده‌ها همه زندانی بوده‌اند و چند زندان‌بان نیز زخمی شدند. براساس آخرین اطلاعات، بیش از ۱۳۰ زندانی موفق به فرار شده‌اند.

## تکرار سانحه هوایی مرگ‌بار در آمریکا

**فارس|** در ادامه سوانح هوایی در آمریکا، سقوط مرگ‌بار یک هواپیما در ایالت ایلینوی این کشور خبرساز شد. در این حادثه یک فروند هواپیمای مدل «سسنا ۱۸۰» در منطقه تریلا ایالت ایلینوی با خطوط انتقال برق برخورد و سقوط کرد. در این حادثه چهار سرنشین این هواپیمای سبک کشته شدند. این حادثه در دویست مایلی جنوب شیکاگو رخ داده است. در ماه‌های گذشته سوانح هوایی زیادی در آمریکا رخ داده که منجر به کشته شدن تعدادی از شهروندان این کشور شده است.

**جدول ۴۲۶۹**

